

## دلایل طرفداران و مخالفان رابطه با آمریکا

### دلایل طرفداران رابطه با آمریکا

**خصومت و دشمنی با آمریکا مبتنی بر توهم توطئه است:** برخی با توهم خواندن خصومت آمریکا علیه ایران، خواهان از سرگیری رابطه با آمریکا هستند. در حالی که دشمنی پنهان و آشکار دولت آمریکا براساس اسناد و مدارک موجود و اعترافات که مقامات امریکایی هر از چندگاهی مطرح می کنند، غیر قابل چشم پوشی است. لذا این ادعا با توجه به سیاست ها و اقدامات آمریکا در قبل و بعد از انقلاب که بخشی از آنها در بالا ذکر گردید کاملا قابل رد و غیر قابل دفاع است.

**رابطه با آمریکا مانند رابطه با سایر کشورهاست:** طرفداران این ادعا به این موضوع توجه ندارند که آمریکا همواره خود را رهبر و حامی جهان سرمایه داری و دارای رسالت جهانی در حفظ ارزش ها و تمدن غرب می داند و همواره منافع و اهداف راهبردی خود را تحت چنین مفاهیمی تعریف می کند. در سند راهبردی ۲۰۱۰ آمریکا که برای یک بازه زمانی ۱۵ ساله، یعنی تا سال ۲۰۲۵ تدوین گردیده، مؤلفه‌های محوری و راهبردی آمریکا در محیط امنیتی داخلی و خارجی معطوف به تجدید و احیای رهبری آمریکا در جهان است؛ که مستلزم تمرکز و تجمیع منابع از قبیل توان نظامی، توان رقابت اقتصادی، هدایت و رهبری اخلاقی، تلاش برای شکل دهی به یک نظام بین‌المللی و... در جهت تحقق رهبری آمریکا در جهان خواهد بود. و ادبیات حاکم بر این سند تجویزی، معطوف به بسط و گسترش قدرت، جایگاه و نقش آمریکا به عنوان بازیگر جهانی و رهبر بین المللی است؛

**بین دفاع از امنیت و منافع ملی و مذاکره با آمریکا تعارض وجود ندارد:** از دیدگاه ایالات متحده که خود را رهبر و نیروی «خیر» جهان می داند، سنجش و ارزیابی خیر و شر در جهان، بستگی به میزان انطباق عملکرد کشورها با منافع آمریکا دارد. این موضوع به طور آشکار در اسناد امنیت ملی ۲۰۰۱ و ۲۰۱۰ آمریکا منعکس شده است. لذا در هر مذاکره و رابطه این نگاه مبنای عمل و تعامل آنها با دیگر کشورها از جمله ایران قرار خواهد گرفت.

**. توازن نسبی قدرت جمهوری اسلامی ایران با آمریکا در منطقه:** به زعم عده‌ای امروز ایران توانسته است به

یک توازن نسبی قدرت با آمریکا در منطقه برسد. در واقع، از منظر آنها، رابطه حاکم بین این دو کشور، دیگر رابطه گرگ و میش نیست. لذا ابایی هم از مذاکره و رابطه نیست. البته اگرچه جمهوری اسلامی ایران در بعد انقلاب اسلامی با رهبری الهی حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری و روحیه مقاومت و ایثار مردم و همت جوانان توانسته است مسیر پیشرفت را طی کند و با الهام بخشی نفوذ خود را در میان ملل مسلمان گسترش دهد، اما نظام سلطه هم از ابزارهای موثر، قالب‌های گفتمانی اثر بخش و سازوکارهای اطلاعاتی و امنیتی ویژه برخوردار است که می‌تواند در مواقع لزوم آنتی مقاومت‌هایی را از درون ما ایجاد کند. دلایل دیگری را نیز در این گروه مطرح می‌کنند که از ذکر آنها صرف نظر می‌شود.

## دلایل مخالفان رابطه با آمریکا

**. آمریکا نماد نظام سلطه:**

**یک-** اهداف و منافع خود را جهانی تعریف کرده و سعی در کسب، حفظ و توسعه جهانی آن است.

**دو-** نظام جهانی را به جهان ظالم و مظلوم تقسیم می‌کند.

**سه-** برای دستیابی به اهداف و منافع و همچنین به منظور استیلای جهانی به تناسب شرایط طیفی از اعمال قدرت را بکار می‌برد. یعنی امریکا از بکارگیری و اعمال قدرت نظامی، برای زیر سلطه در آوردن دیگر نظام‌ها ابایی ندارد. کارنامه کاخ سفید نشان می‌دهد که این کشور برای اعمال سلطه و تغییر رژیم و یا رفتار کشورهای ناهمسو از خشن‌ترین ابزارها بهره گرفته است.

**چهار-** هر کشوری که با امریکا نباشد، دشمن امریکا محسوب می‌شود.

**پنج-** براساس منطق زور و برای اعمال سلطه، سایر قدرت‌ها را با خود همراه می‌سازد. در حالی که این ویژگی را هیچ یک از دولت‌های فعلی غربی و شرقی ندارند.

---

۱- نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و به مظلوم است؛ منطق انقلاب که منطق اسلام است، «لا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» است (۹۲/۶/۲۶). همچنین رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: نظام سلطه جنگ را، فقر را، فساد را گسترش می‌دهد، با همان سازوکار مشخص تقسیم دنیا به ظالم و مظلوم. اسلام - یعنی انقلاب اسلامی که برگرفته‌ی از همان مفاهیم اسلامی است - می‌آید می‌گوید: لا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ، یعنی همه‌ی این عوامل را نفی میکند؛ چالش اصلی اینجا است؛ دعوی اصلی اینجا است؛ دعوی با انقلاب اینها است؛ بقیه‌ی حرفها بهانه است... تحریم، جنگ داخلی، ایجاد کودتا، بقیه‌ی چیزهایی که در این سالها [بوده]، مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، همه را در این چهارچوب باید نگاه کرد.

**شش** - داشتن خوی استکباری: مقام معظم رهبری خوی استکباری آمریکا را از دیگر عناصر مؤثر در اوضاع و احوال کنونی می‌دانند و خاطرنشان می‌کنند: «خوی سلطه‌طلبانه آمریکا، ملتی را که از او نمی‌ترسد و فریبش را نمی‌خورد، تحمل نمی‌کند».

**هفت** - آمریکا حق‌پذیر نیست و زور اصل محوری در سیاست‌های آن محسوب می‌شود. رهبر معظم انقلاب در این رابطه می‌فرمایند: «استکبار به این معنا است که «عنصری یا شخصی یا جمعی و یا جناحی، خود را بالاتر از حق به حساب آورد و زیر بار حق نرود و خود و قدرتش را ملاک قرار دهد.»<sup>۲</sup>

با توجه به ویژگی‌های فوق و کارنامه آمریکا علیه ایران و ملل مسلمان، امام می‌فرمودند که همه مصیبت ما زیر سر آمریکاست. دنیا بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند، از اجانب است، از آمریکاست.<sup>۳</sup>

**۸. تعارض ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک و هژمونیک بین آمریکا و جمهوری اسلامی ایران:** آمریکا با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران هم منافع عظیم اقتصادی و هم پایگاه‌های استراتژیکش را از دست داد. همچنین آمریکا نه تنها از موقعیت ژئوپلیتیک ایران محروم شد بلکه در مقابل اقتدار ژئوپلیتیکی ایران دچار چالش شدید شد. این قدرت جهانی بعنوان رهبر جهان غرب، اعتبار لیبرالیسم امریکایی و ایدئولوژی مدرنیته و آرمان‌های آن را در هم آوردی با انقلاب اسلامی ایران نیز خدشه‌دار کرد. امروز نظام جهانی و نظام غرب تلاش دارد تا مجدداً زمینه‌های لازم را برای یکپارچه‌سازی هژمونیک غرب فراهم کند که این موضوع با اهداف، آرمانها و منافع جمهوری اسلامی ایران در تعارض مبنایی قرار دارد. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «امروز دشمنی با ایران اسلامی به خاطر اسلام است، وگرنه این همان ایرانی است که قلعه‌ی آمریکا و استکبار بود. آن‌ها با اسلام دشمنی عمیقی دارند؛ اسلام به معنای حکومت و نظام؛ اسلام زنده و اسلامی که حقیقتاً می‌خواهد خودش را بر واقعیت‌های موجود در فضای جهان تحمیل کند.»<sup>۴</sup>

**۹. آمریکا گرفتار در پنجه صهیونیست‌ها و تاثیر آن بر روابط با ایران:** به تعبیر مقام معظم رهبری «دولت آمریکا در واقع در جهت منافع صهیونیست‌ها حرکت می‌کند و از همه دنیا باج می‌گیرد و به رژیم صهیونیستی باج می‌دهد»<sup>۵</sup> (۹۲/۷/۱۳). لذا اعترافات جزیی از حقانیت جمهوری اسلامی ایران توسط دولتمردان آمریکا و حتی جابجایی

۲- همان.

۳- کلمات قصار امام خمینی «س» (پندها و حکمتها)، ص ۱۵۵

۴- ۲۶ آذر ۱۳۷۵

دولت‌ها در آمریکا هیچ تأثیری در رفتار ناپسند امریکاییان نسبت به ملت ایران در این سه دهه گذشته نداشته است و تداوم سیاست‌های کینه‌ورزانه نسبت به انقلاب اسلامی و ملت ایران بیانگر این حقیقت است که سیاست‌های عمومی دولت آمریکا را لابی‌های قدرتمند پشت صحنه سیاست‌های رسمی و ظاهری آن تعیین می‌کنند. لابی‌هایی که در آن صهیونیسم جهانی و سرمایه‌داران یهودی نقش اصلی را ایفا می‌کنند و قسم یاد کرده‌اند تا آخرین نفس علیه انقلاب اسلامی و آرمان‌های حضرت امام خمینی(ره) و اهداف جمهوری اسلامی ایران مبارزه نمایند. بنابراین ساده‌لوحانه است اگر تصور شود با یک لبخند و یا حتی اعتراف دولت مردان آمریکا به حقانیت جمهوری اسلامی ایران، دشمنی و کینه‌ورزی‌ها آنها نسبت به انقلاب اسلامی و ملت ایران کاهش می‌یابد و مسیر برای تعامل مثبت فراهم خواهد شد.

**. ممانعت آمریکا از کنشگری جمهوری اسلامی ایران در عرصه جهانی و جلوگیری از نفوذ ثبات بخش آن در منطقه: آمریکا**

حداقل در ۱۲ سال اخیر تلاش کرده است تا با جنگ روانی فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را در افکار عمومی دنیا طوری منعکس کند که گویی ایران در صدد دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است که می‌تواند صلح و امنیت جهانی را تهدید کند. با این تصویرسازی تا کنون توانسته مشکلات زیادی را در عرصه بین‌الملل برای جمهوری اسلامی فراهم کند و در سطح منطقه نیز سعی کرد با کمک متحدین منطقه‌ای خود، ایران هراسی و شیعه‌هراسی را تبلیغ کند که حاصل این نوع سیاست‌ها امروز ظهور گروه‌های سلفی و تکفیری خشن و تروریست است که به اسم اسلام، شیعیان را در پاکستان، عراق، سوریه و... به قتل می‌رسانند و آن را جهاد در راه خدا می‌نامند.

**. بی‌اعتمادی به آمریکا؛ اهداف و انگیزه‌های آمریکایی‌ها را نمی‌توان فقط از طریق سیاست‌های اعلامی آنها**

کشف کرد بلکه آنچه که رفتارهای سیاست خارجی آنها را تشکیل می‌دهد سیاست‌های پنهانی و چند لایه آنهاست. به عبارت دیگر وجود معیارهای دوگانه در سیاست‌های اعمالی و اعلامی و سابقه سوء عملکرد کاخ سفید در قبال تعهدات دوجانبه و چند جانبه، هر اعتمادی به این دولت را با تردید جدی روبرو ساخته است. با این حال، بی‌اعتمادی ریشه‌های مختلفی دارد.

**.. بی‌اعتمادی ناشی از عملکرد گذشته و تاریخی: عملکرد آمریکا در قبل از انقلاب بخشی از بی‌اعتمادی و بدبینی ملت**

ایران به آمریکا را تشکیل می‌دهد؛ کودتا علیه دولت دکتر مصدق در سال ۱۳۳۲ به اعتراف خود آمریکایی‌ها،

حمایت تمام عیار از رژیم مستبد و وابسته پهلوی در سیاست های معطوف به عقب ماندگی در کشور و در مواجهه خونین و سرکوبگرانه با جنبش دانشجویی ۱۳۳۲، قیام ملی و اسلامی ۱۵ خرداد و زندانی کردن و شکنجه آزادی خواهان کشور گوشه‌هایی از اقداماتی است که از حافظه تاریخی ملت ایران پاک نشده است.

**بی‌اعتمادی ناشی از تداوم دشمنی پس از پیروزی انقلاب:** آمریکا بعد از انقلاب نیز سیاست های خصمانه خود را نه تنها اصلاح نکرد بلکه بر آن افزود. از جمله راه‌اندازی کودتاهای نظامی به منظور سرنگونی نظام جمهوری اسلامی<sup>۵</sup>، حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از دولت عراق در تجاوز به ایران؛ تسلیح شیمیایی صدام؛ ورود عملی به جنگ علیه جمهوری اسلامی در اواخر جنگ تحمیلی و هدف قرار دادن سکوهای نفتی ایران و هواپیمای مسافربری؛ ادامه سیاست تحریم ایران از سال‌های اولیه انقلاب اسلامی که به مرور تشدید شده است؛ راه‌اندازی جنگ گسترده تبلیغاتی - رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون؛ قرار دادن ایران در محور شرارت و تهدید ایران به جنگ، اقدامات خصمانه گسترده علیه برنامه هسته‌ای ایران از جمله تحریم‌های یک‌جانبه، ترور دانشمندان هسته‌ای و مشارکت در تولید و پروس استاکس‌نت، دست داشتن در آشوب های سال ۶۸۸ و...

**بی‌اعتمادی ناشی از اقدامات زورگویانه آمریکا نسبت به کشورهای دیگر:** نوع برخورد سلطه‌گرایانه‌ای که کاخ سفید در کشورهای مختلف امریکای لاتین، آفریقا، آسیای جنوب شرقی، خاورمیانه و... انجام داده است، موید این بی‌اعتمادی است. در این راستا ملت ایران آگاهند که واشینگتن همواره نسبت به دولت های مردمی و مستقل و انقلابی خصومت ورزیده و در پی تضعیف و براندازی آنهاست و برعکس دولت های وابسته و غیرمردمی مورد حمایت جدی و کامل آنها قرار دارد.

**بی‌اعتمادی ناشی از مواضع خصمانه اخیر دولت‌مردان آمریکا:** نوع مواضع مقامات آمریکا در روزهای اخیر علیه جمهوری اسلامی ایران نیز در افزایش بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا موثر بوده است؛ چرا که با وجود اتخاذ سیاست

<sup>۵</sup> - در مورد نقش سازمان «سیا» و سایر کشورهای خارجی در این کودتا، ستوان ناصر رکنی در اعترافاتش می‌گوید:

" دو الی سه ماه بعد از پیروزی انقلاب، اولین تماس بین مأمورین سیا و یکی از دوستان بنی‌عامری در اروپا برقرار می‌شود و آنها بنی‌عامری را با بختیار مرتبط می‌سازند. تمامی هماهنگی‌های لازم بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و ستاد دکتر بختیار در پاریس از طریق «سیا» انجام می‌گرفته است. هماهنگی بین اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه نظیر عربستان، مصر و عراق، توسط نماینده سازمان «سیا» که در دفتر دکتر بختیار در پاریس است انجام می‌گرفته است."

۶- هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه ایالات متحده، آنچه را که تا آن زمان حمایت از اغتشاشات بعد از انتخابات ۸۸ را رد کرده بود، در یک مصاحبه تلویزیونی با "فرید زکریا" که از شبکه سی‌ان‌ان پخش شد، تایید و خاطر نشان کرد: ایالات متحده آمریکا نقش بسیار مهمی در "انقلاب سبز" ایران داشته است.

نرمش قهرمانانه از سوی ایران، کنگره امریکا و حتی اوباما در دیدار با نتانیاهو اعلام کردند که همه گزینه‌ها از جمله گزینه نظامی برای برخورد با ایران روی میز قرار دارد. همچنین آنها بارها اعلام کردند که در حمایت از رژیم صهیونیستی حاضر به حمله نظامی علیه ایران هستند یا از اقدام نظامی این رژیم علیه ایران حمایت می‌کنند. در همین راستا، کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا طرح خصمانه‌ای را تصویب کرد که به موجب آن دولت آمریکا ملزم می‌شود در صورت حمله احتمالی رژیم صهیونیستی به ایران، از تل‌آویو به طور همه جانبه حمایت کند. یکی دیگر از جدیدترین مواضع آمریکایی‌ها در سال جاری، پس از مذاکرات هسته‌ای رخ داد که به رغم اعلام محرمانه بودن جزئیات مذاکرات، نشریات نزدیک به مقامات کاخ سفید درج بخشی از این جزئیات را با تحلیل‌هایی در راستای افزایش فشار و مطالبات نافی منافع هسته‌ای ایران در دستور کار خود قرار دادند.

**نداشتن منطق در رفتار:** دولت امریکا همواره نشان داده است که منطق رفتاری آن را منافع سلطه‌طلبانه‌اش تشکیل می‌دهد و عملکردش نسبت به ایران غیر منطقی و غیرقابل قبول است. یکی از مصادیق رفتار غیرمنطقی کاخ سفید، طرح مذاکره با ایران در کنار فشار و تهدید است. در شرایطی که دولت امریکا سخن از رابطه و مذاکره با ایران به میان می‌آورد، مجلس نمایندگان آمریکا با ۴۰۰ رای موافق در برابر تنها ۲۰ رای مخالف لایحه‌ای را تصویب کردند که بنابر مفاد آن، تحریم‌ها علیه ملت ایران را تشدید خواهند کرد. یکی از موارد دیگر، مربوط به جریان مقابله با طالبان است. در حالی که ایران در بحث طالبان کمک‌های زیادی به آمریکایی‌ها در زمان ریاست جمهوری جرج دبیلو بوش در سال ۲۰۰۲ کرده و در این راستا شماری از دیپلمات‌های ایرانی در مزار شریف به شهادت رسیده بودند، جرج بوش به پاس خدمات مشاوره‌ای ایران برای برخورد با گروه‌های افراطی طالبان، نام ایران را در کنار کره شمالی و عراق در محور شرارت قرار داد. یکی دیگر از مصادیق طرح دوستی و رابطه با ایران توسط اوباما در مجمع عمومی سازمان و تماس تلفنی با رئیس جمهوری ایران است که بلافاصله در دیدار نتانیاهو اعلام کرد که همه گزینه‌ها از جمله حمله نظامی بر ضد ایران روی میز است.

مورد دیگر مساله هسته‌ای است. جمهوری اسلامی ایران هرگاه در موضوع هسته‌ای با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به توافقات مهمی رسید، آمریکایی‌ها موضوعات جدیدی را مطرح کرده و مانع حل منطقی برنامه هسته‌ای

ایران شده‌اند. یکی از مهمترین موارد از این دست توافق آژانس و ایران در زمان البرادعی بود که امریکایی‌ها با طرح مطالعات ادعایی در زمینه پرونده هسته‌ای موضوع را امنیتی و خنثی نمودند. در واقع امریکا نشان داده است که رابطه با ایران زمانی میسر است که کاملاً منافع‌شان در ابعاد مختلف تأمین گردد.

**صداقت در گفتار و مواضع:** دولت امریکا همواره نشان داده است که؛ صادق و متعهد نیست و دروغ‌گویی و

عهد شکنی محور سیاست رئالیستی کاخ سفید است. یکی از مصادیق بارز این عهد شکنی، تعهد امریکا در جریان قرارداد الجزایر بود. بر اساس این بیانیه که بر چهار محور کلی بنا شده بود، قرار شد امریکا در برابر آزادی گروگان‌های خود به چهار شرط؛ آزاد شدن و رفع انسداد از دارایی‌ها و اموال داخلی ایران، ختم کلیه دعاوی و قرار توقیف‌ها علیه ایران، برگرداندن اموال شاه و خانواده وی و عدم دخالت امریکا در امور ایران، پایبند باشد. قرار شد که برخی دعاوی موجود میان ایران و امریکا به دادگاهی در لاهه هلند با عنوان «دیوان داوری دعاوی ایران - امریکا» ارجاع داده شود. ولی امریکا تنها به بخش کوچکی از تعهدات خود در بیانیه الجزایر عمل کرد و بسیاری از تعهدات در برابر آزادی گروگان‌ها به سرانجام مشخصی نرسید. ایالات متحده از تعهدات خود تخلف نموده و اموال دیپلماتیک و کنسولی ایران در کشور امریکا را در اختیار ایران قرار نداد. براساس قرارداد الجزایر «آمریکا نباید (چه از لحاظ سیاسی و چه نظامی) در امور داخلی ایران مداخله کند»، اما عملاً ملت ایران شاهد افزایش مداخلات کاخ سفید در امور ایران بوده است.

دومین مصداق در همین راستا در سال ۱۳۷۳ رخ داد. بدین صورت که امریکایی‌ها پس از سال‌ها، دوباره در سال ۷۳ از طریق دادگاه داوری، پیشنهاد مذاکره و مصالحه بر سر دعاوی و استرداد اموال دیپلماتیک و غیردیپلماتیک را مطرح کردند. بر این اساس با امریکا توافق شد تا موضوع، خارج از دیوان بررسی شود اما در ادامه معلوم شد امریکا ساختمان‌های ایران را به کشورهای چوچون رومانی و ترکیه اجاره داده است. مذاکرات ایران و امریکا از اسفند ۱۳۷۵ در محل دیوان برگزار شد و نهایتاً بدون نتیجه رها گردید.

یکی دیگر از مصادیق، مربوط به انتقال سوخت هسته‌ای ایران از طریق کشور ثالث است. در سال ۱۳۸۹ زمانی که وزرای خارجه ایران، برزیل و ترکیه در بحث غنی‌سازی به یک توافق رسیده بودند و قبل از این توافق اوپاما طی نامه‌ای به رییس‌جمهور وقت برزیل نوشت هر گونه توافقی که در تهران حاصل شود، مورد تأیید ما نیز خواهد بود و از آن حمایت می‌کنیم. بعد از صدور بیانیه تهران و توافق سه کشور ایران، ترکیه و برزیل در بحث

غنی سازی اورانیوم، اوباما طی نامه‌ای به داسیلوا رییس جمهور وقت برزیل نوشت: «متاسفم، پذیرش بیانیه تهران از توان و ظرفیت من خارج است»، رییس جمهور برزیل که از این اقدام اوباما بسیار ناراحت و عصبانی شده بود، متن نامه رییس جمهور آمریکا را در اینترنت منتشر کرد که هم اکنون نیز موجود است.

### خلاصه اینکه

ایران اسلامی در طول سه دهه گذشته با اتخاذ راهی مستقل، علی رغم موانع و مشکلات محیطی، استقلال و هویت ملی خویش را حفظ، اندیشه‌ها و آرمان‌های متعالی خویش را به دنیا عرضه، نفوذ خویش را گسترش و اقتدار و قدرت خویش را تثبیت کرده و با جهان خارج ارتباط متقابل برقرار نمود و این سیاست را که در جهان نمی‌توان بدون وابستگی و اتکای به قدرت هژمون و سلطه‌گر به حیات خود ادامه داد را به چالش کشید و نقض کرد و همچنان معتقد است که آمریکا نماد نظام سلطه و غیر قابل اعتماد است.